



Analyzing Near-Death Experiences in Light of Theological and Qur'anic Exegetical Teachings

Hamidreza Goudarzi^{a*}, Hamid Emami Far^b, Ahmad Saeedi^c

^a Doctorate from Imam Khomeini Institute, Qom, Iran goudarzi5579980124@mail.com

^b Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Arak University, Arak, Iran h-emamifar@araku.ac.ir

^c Associate professor and faculty member of Imam Khomeini Educational and Research Institute ahmadsaeidi67@yahoo.com

KEYWORDS

Near-death experiences
soul
purgatory
theological
interpretive
fantasy
imaginary

ABSTRACT

Near-death experiences are a term for states that occur to some people at certain times that are similar to a state of death. This issue has been seriously considered with the publication of Raymond Moody's book "Life After Life". Despite extensive scientific, philosophical and psychological research, the nature of these phenomena remains unclear, which highlights the need for research due to their profound effects on the individual and society. Leaving the body, perceptions outside it, and returning to the body are among the components that occur in all these experiences. The present article, with the aim of analyzing the nature of near-death experiences, adopts a theological-interpretive approach and focuses on Islamic teachings regarding the truth of man and the external and internal worlds of existence. The findings show that when the experiencers distance themselves from the physical body, they are in the realm of the soul, their inner senses, and their imagination, and most of them have reviewed scenes from their lifetime or have encountered imaginary and demonic fabricated images. In some cases, they have entered the world of purgatory through the power of imagination and observed the realities of purgatory.

* Corresponding author.

E-mail address: goudarzi5579980124@mail.com

Received: 2025/10/22; Received in revised form: 2026/3/26; Accepted: 2026/6/10

DOI: 10.22034/rtmr.2025.2075499.1117





نوع مقاله : پژوهشی

تحلیل تجربیات نزدیک به مرگ در پرتو آموزه‌های

کلامی و تفسیری

حمیدرضا گودرزی^{الف*}، حمید امامی فر^ب، احمد سعیدی^ج،

^{الف} دکتری، فلسفه دین، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران goudarzi5579980124@mail.com

^ب استادیار، معارف اسلامی، دانشگاه اراک، اراک، ایران h-emamifar@araku.ac.ir

^ج دانشیار، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ایران ahmadsaeidi67@yahoo.com

چکیده	واژگان کلیدی
تجربیات نزدیک به مرگ Near-death experience اصطلاحی است برای حالاتی که برای برخی افراد در مواقعی خاص که شبیه به حالت مرگ است پدیده آمده است. این مسئله، با انتشار کتاب «زندگی پس از زندگی» ریموند مودی، به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. با وجود تحقیقات گسترده علمی؛ فلسفی و روانشناختی چپستی این پدیده‌ها همچنان مبهم بوده که ضرورت تحقیق را بدلیل تأثیرات عمیق بر فرد و جامعه آشکار می‌نماید. خروج از بدن، ادراکات خارج از آن و برگشت به بدن از مولفه‌های مورد اتفاق در همه این تجارب است. مقاله حاضر با هدف تحلیل چپستی تجربیات نزدیک به مرگ، رویکردی کلامی-تفسیری اتخاذ کرده و بر آموزه‌های اسلامی در خصوص حقیقت انسان و عوالم ظاهری و باطنی هستی تمرکز دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد تجربه‌گران هنگام فاصله گرفتن از بدن مادی در ساحت نفسانی و حواس باطنی و خیال خود بوده که عموم آنها صحنه‌های طول زندگی را بازبینی کرده و یا با تصاویر ساختگی خیالی و شیطانی مواجه شده‌اند. در برخی موارد از طریق قوه خیال به عالم برزخ وارد شده و حقایق برزخی را مشاهده نموده‌اند.	تجربیات نزدیک به مرگ نفس برزخ کلامی تفسیری خیال متخیله تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۱/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۲۰

۱- مقدمه

برخی گزارش‌ها حکایت از آن دارد که برخی از افراد با وجود رویارویی با مرگ بالینی دوباره به حیات دنیوی خود برگشته‌اند و تجربیات متفاوتی را از داشته‌اند. این پدیده در عین قدمت، مساله‌ای نو، جذاب و بحث‌برانگیز در حوزه‌های مختلف علمی، فلسفی و دینی می‌باشد. ریموند مودی در سال ۱۹۷۵ با انتشار کتاب "زندگی پس از زندگی" این پدیده را به عنوان "تجربیات نزدیک به مرگ" مورد بررسی علمی قرار داد (Bryant & Peck, 2009: 773) که به یکی از منابع معتبر در این زمینه تبدیل شده و الهام بخش محققان در این زمینه گردید (وولف، ۱۳۸۶، ۸۲۶). از منظر مودی (NDE) ویژگی‌هایی مانند قابل توصیف نبودن، ذهنی بودن، گذرا بودن، خارج از اراده فرد بودن و تغییر ابعاد زمان و مکان تأثیر کلی رؤیت چنین وقایعی بر

* نویسنده مسئول؛

شخصیت و نحوه زندگی بعدی افراد را دارا می‌باشد. (Moody, 1978: 135) علی‌رغم اختلاف در مورد مؤلفه‌های این تجارب، خروج از بدن، ادراکات و مشاهدات خارج از بدن و بازگشت به آن مورد توجه صاحب‌نظران است (مودی، ۱۳۷۳، ص ۳۲؛ Valarino, 1980, p40؛ Fox, 2003, p43). با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی در سال‌های اخیر، پژوهشگران تبیین‌های متنوعی از این پدیده ارائه داده‌اند (مودی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱) اما چپستی آن با وجود تحقیقات گسترده و گزارش‌های متعدد، هنوز مبهم بوده و این درحالی است که تأثیرات عمیقی در زندگی، نگرش و رفتار تجربه‌گران داشته و ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است که خود مبین ضرورت تحقیق در این خصوص است.

در زمینه تجربیات نزدیک به مرگ بر اساس موضوع پژوهش حاضر، پژوهش‌هایی انجام شده است از جمله:

(۱) اعتبارسنجی تجربه‌های نزدیک به مرگ در قلمرو الهیات اسلامی. نوشته آقایان شانظری و فرحناکیان. همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر ۱۳۹۲ این پژوهش نگاه معرفت‌شناسانه به تجربیات دارد درحالی‌که پژوهش حاضر منظری هستی‌شناسانه دارد.

(۲) بررسی چگونگی ویژگی‌های تجربه نزدیک به مرگ از دیدگاه عقل، نقل و تجربه. نوشته آقای سالاریان دانشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۹. در این اثر نیز به بیان حالات و اتفاقات تجارب تمرکز شده، درحالی‌که تحقیق پیش‌رو به چپستی و هویت تجربیات توجه دارد.

(۳) تبیین تجربه‌های نزدیک به مرگ براساس نظریه عالم مثال سهروردی: نویسنده: فیروزی، لیلا؛ بختیاری، فاطمه؛ نویسنده مسئول: آژیر، اسداله. در این مقاله تمرکز با عالم مثال است و همچنین رویکرد فلسفه اشراقی است در حالی که در تحقیق حاضر رویکرد کلامی - تفسیری است و همچنین علاوه بر توجه به نظام هستی به نگاه انسان‌شناسانه هم توجه شده است.

(۴) تجربیات نزدیک به مرگ از نگاه قرآن و روایات اسلامی. نوشته خانم رقیه ساجدی. در این مقاله روایات نیز پایه کار قرار گرفته و آیات قرآن و روایات معتبر اسلامی مرتبط با مرگ، برزخ و زندگی پس از مرگ جمع آوری و بررسی شدند. این در حالی است که در تحقیق حاضر تمرکز اصلی بحث بر حوزه کلامی - تفسیری است و مسائل انسان‌شناسی در این تبیین و تحلیل نقش اساسی دارند.

۵. نقدی بر واقع‌نمایی تجربیات لحظات نزدیک به مرگ براساس آموزه‌های قرآن و روایات. نوشته آقای عباس گوهری. در این مقاله تلاش شده است که از آموزه‌های قرآنی - روایی در زمینه احتضار بهره گرفته تا تفاوت و شباهت تجربیات نزدیک به مرگ و احتضار با نگاهی قرآنی - روایی روشن شود در حالی که اساساً هدف تحقیق حاضر تحلیل واقعیت تجربیات با نگاهی کلامی - تفسیری است.

در این مقاله تلاش بر این است که تحلیلی کلامی - تفسیری از این تجربیات ارائه شود تا در پرتو آن بتوان درک بهتری از این تجربیات پیدا کرد. مسلماً بررسی آموزه‌های کلامی و تفسیری می‌تواند به درک عمیق‌تر ما از این تجربیات کمک کنند. در تراث اسلامی، مباحث متعددی درباره حقیقت عالم و انسان و ویژگی‌های این دو مطرح شده است. این آموزه‌ها می‌توانند به‌عنوان چارچوبی نظری برای تحلیل تجربیات نزدیک به مرگ مورد استفاده قرار گیرند و به ما کمک کنند تا به درکی معقول و جامع‌تر از این پدیده دست یابیم.

عالم ظاهر و باطن

در منظومه فکر اسلامی، نظام هستی محدود به عالم دنیا نبوده و عوالم دیگری از جمله برزخ و قیامت نیز وجود دارند که ادامه زندگی انسان در مراحل بعدی در آنها خواهد بود. شیخ مفید این باور را اجماعی دانسته (مفید، ۱۴۱۳ق، ۴، ص ۷۶) و مرحوم خواجه وقوع آن را به امکان از طرفی و تواتر نقل از طرفی دیگر پیوند زده است (حلی، ۱۳۸۲، ص ۴۲۴). ابوالفتوح رازی ذیل آیه ۱۰۰ سوره مومنون که می‌فرماید: «و از پس ایشان برزخی است تا به روز قیامت» می‌نویسد: «وراء» دو معنی دارد:

یکی خلف، و یکی قدام، و در این آیه، به معنی قدام است (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۵۱) یعنی افراد پس از مرگ وارد عالمی به نام برزخ شده و سپس وارد عالم آخرت می‌شوند و مطابق آیه ۳۵ سوره احقاف، مدت زمان دنیا و برزخ همانند یک ساعت است (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۳، ص: ۳۲). در روایتی نقل شده است که «حبه عرنی» نقل می‌کند: من با امیرالمومنین (ع) از کوفه خارج شدیم حضرت در قبرستان وادی السلام توقف نمود همانند کسی که در مقابل مردمی برای مکالمه ایستاده است من نیز با قیام آن حضرت ایستادم تا خسته شدم ناچار نشستم مدتی گذشت و دوباره بپا خاستم و آنقدر ایستادم که مثل بار اول دچار خستگی شدم مجدداً نشستم پس از مدتی برخاستم عبا را از دوش گرفتم و به علی (علیه السلام) عرض کردم من از این همه سر پا ایستادن بر شما می‌ترسم ساعتی استراحت کنید و عباي خود را گسترده تا حضرت بنشیند حضرت فرمود: ای حبه این قیام و توقف من چیزی جز تکلم و انس با مومن نبود عرض کردم: آیا مردگان هم با یکدیگر تکلم و انس و الفت دارند؟ فرمود بلی اگر پرده در جلو دیدگان تو برداشته شود آنها را می‌بینی که حلقه حلقه نشسته و گفتگو دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳ ص ۲۴۳). از عبارات این متکلمان و مفسران بر پایه آیات و روایات اینگونه استفاده می‌گردد که افراد در عالم برزخ گام نهاده و زندگی متناسب آنجا را خواهند داشت.

از جمله تفاوت‌های اساسی عالم دنیا با برزخ ظاهر و باطن بودن است. دنیا ظاهر و برزخ باطن می‌باشد. مطابق آیه ۷ سوره روم انسان‌های کوتاه بین تنها ظاهر و عالم دنیا را می‌بینند و از عوالم باطنی غافل می‌باشند. همانگونه که عالم ظاهر خصوصیات خود را دارد، عالم یا عوالم باطنی نیز ویژگی‌های خاص خود را دارند. عالم دنیا عالم کون و فساد، آن عالم بقا و ثبات، این عالم موت، آن عالم حیات، این عالم قشر، آن عالم لب، این عالم تفرقه و تضاد، آن عالم وحدت و حقیقت است (نصرت‌بیگم، ج ۱۵، ص ۲۲۵). به بیان دیگر، حیات حقیقی (سوره عنکبوت، آیه ۶۴)، آگاهی حقیقی (شریف الرضی، ۱۴۰۶ق، ۱۱۲)، سازگاری حقیقی (سوره فرقان، آیه ۱۶) در عوالم باطنی مانند عالم برزخ است و اینکه موجودات برزخی جسم و امتداد برزخی داشته (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ۲۴۵) و از مکان غیرمادی و برزخی برخوردارند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۵، ۶۳۲)، حالات نفسانی همانند ترس و شادی به نحو کامل‌تر و عمیق‌تر در عالم برزخ وجود داشته (شریف الرضی، بی‌تا، ج ۴، ۷۰۰) و راه رسیدن به باطن، عبور از ظاهر است.

تفاوت در حیات: یکی از باورهای اساسی این است که انسان با مرگ از خواب بیدار شده و همانند این است که تازه می‌بیند و تازه می‌شنود و ادراک حقیقی دارد. عالم برزخ هرچند نسبت به عالم آخرت و قیامت که بیداری محض است، خواب به شمار می‌رود اما نسبت به عالم دنیا بیداری است و فرد با وارد شدن به عالم برزخ با حقائق رو به رو می‌گردد (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳، هق، ج ۳، ص ۲۷، فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹۱) می‌توان گفت حیات حقیقی و سرمدی و جاوید آن است که فنا و زوال نمی‌پذیرد و نه اینکه مدتی باقی و سپس فانی شود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص: ۵۷۱؛ شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۲۶۱) امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: به راستی خوشی به زیور دنیا فقط و فقط بازی است و سرگرمی و بی‌شک سرای آخرت [و باطن]، سرای زندگانی [راستین] است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۶۵/۷۵). از آموزه‌های کلامی - تفسیری به روشنی به دست می‌آید که حیات حقیقی در آخرت و عوالم باطنی است و حیات عالم دنیا، مقدمه و گونه ضعیفی از حیات در برابر آن است. چنین نکته‌ای در آیات نیز تبلور پیدا کرده است «هر آینه زندگی آخرتی زندگانی حقیقی بوده و زوال و فنا نمی‌پذیرد». (سوره عنکبوت، آیه ۶۴)

تفاوت در آگاهی: وقتی انسان وارد عالمی می‌شود که حیات حقیقی دارد، از آگاهی حقیقی برخوردار می‌گردد. انسان در حیات برزخی با واقعیت‌ها مواجه می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۹۱). این‌گونه باید گفت چون عالم برزخ، عالم باطن است باطن‌ها در عالم برزخ هویدا می‌شود. (نصرت‌بیگم، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۹). به تعبیر دیگر آگاهی ما از عالم ظاهر نسبت به عالم باطن که عالم حقیقت است، بسیار بی ارزش است. (نریمانی، بی‌تا، ص ۵۰۷)

«انسان هنگامی که در قبر و عالم برزخ قرار می‌گیرد خمار زایل شود و از خواب غفلت بیدار شده و از سکر طبیعت هشیار می‌گردد و الم سابق و لاحق را یکجا و با هم درک میکند. پس از آنکه انسان از این عالم کوچ کرد و وارد عالم برزخ شد و انسان حقیقت و موجودیت خود را در قالب و صورت برزخی دید، آن وقت می‌فهمد که هر چه می‌کرده و در عالم دنیا انجام می‌داده

است، قالبی ملکوتی بوده است.» (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۵۰)

امام صادق علیه السلام به آگاهی برزخی با این تعبیر اشاره دارد که وقتی انسان از این عالم دنیایی خارج شده و وارد عالم برزخ می‌شود، دو ملک بر او وارد می‌شوند و از ایشان دربارهٔ خدا، دین، پیامبر و امام سوال می‌پرسند و میت پاسخ می‌دهد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۳۳۳/۳-۱۳۴) امیرالمومنین می‌فرماید: مردم آن هنگام که از دنیا می‌روند و وارد عالم برزخ و عوالم باطنی می‌شوند بیدار می‌شوند و الا تا آن روز در واقع در خواب به سر می‌برند (شریف الرضی، بیتا، ۱۱۲). این عبارت آگاهی حقیقی را از آن زندگی باطنی و هنگام عبور از عالم ظاهر می‌داند. گو اینکه انسان بعد از مرگ در همه جنبه‌ها صاحب ادراکات حقیقی خواهد بود.

تفاوت در جسم: در نقل‌های مرتبط با عالم باطن این نکته برجسته است که افراد دارای جسم هستند مقصود از بدن برزخی و باطنی آن بدنی است که از جنس ماده نبوده، جرم، حجم و وزن ندارد اما برخی لوازم و خصوصیات اشیای مادی همچون شکل و اندازه را برخوردار است و در این ویژگی‌ها مشابه بدن طبیعی شخص است. برای یافتن تصویر روشنتری از بدن مثالی یا برزخی می‌توانیم در وضعیت صورت‌هایی که هنگام خواب مشاهده می‌کنیم تأمل ورزیم بی‌تردید این صورت‌ها مادی نیستند و جا و مکانی را اشغال نمی‌کنند و جرم و وزن ندارند با این حال دارای شکل و اندازه‌اند و اشکالی همانند اشکال اشیای مادی دارند (سعیدی مهر، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۴۰). بیان قرآن که فرمود: وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (سوره یس، آیه ۴۲) اشاره به بدن مثالی برزخی است که مرکوب نفس و متعلق به آن خواهد بود و نفس انسانی پیش از وقوع قیامت مادامی که در عالم برزخ و در قبر است سوار بر او است. (نصرت بیگم، بی‌تا، ج ۱، ص: ۳۵)

تفاوت در اجتماع و افتراق امور: در عالم دنیا ناسازگاری‌ها و تضادهای متعدد دیده می‌شود. با وجود "الف" جایی برای وجود "ب" نیست. التذاذ از نعمتی ممکن است مزاحمت التذاذ از چیز دیگری باشد. اما در زندگی باطنی از تضادهای دنیوی خبر نیست. به عنوان نمونه در بهشت هر چیزی که امکان دارد، را می‌شود درخواست کرد. بلکه فراتر از این قرآن می‌فرماید که هر چه بخواهند در آنجا وجود دارد. (ق آیه ۳۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۴۱۶). در حال واحد می‌توان از همهٔ خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، از حور و غلمان و مانند آن بهره‌مند گردیده و لذت یافت (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸، ص ۲۶۳). می‌توان ریشه‌ی این تضادها را در مادی بودن عالم مادی دانست و از آنجایی که عالم برزخ و باطن مادی نیست، طبعاً تضاد و تزامم در آنجا وجود ندارد. مرحوم علامه طباطبایی در این ارتباط می‌نویسد:

« آخرت با همه نعمتها و عذابهایش هر چند که شباهتی با دنیا و لذائد و آلامش دارد، و همچنین انسانی که در آخرت وارد شده هر چند که همان انسانی است که به عینه در دنیا بود الا اینکه نظامی که حاکم در آخرت است غیر از نظامی است که در دنیا حاکم است، چون آخرت دار ابدیت و بقا است، و دنیا دار زوال و فنا است، و به همین جهت انسان در بهشت می‌خورد، و می‌نوشد و نکاح می‌کند و لذت شهوانی می‌برد، ولی در آنجا دچار عوارضی که در دنیا بر او وارد می‌شد نمی‌گردد و همچنین انسان دوزخی در آخرت بین آتش می‌سوزد، و سوزش آتش را می‌چشد و از خوردنیها و نوشیدنیها و مسکن و هم‌نشین دوزخیش شکنجه می‌بیند، ولی آثار سوختن دنیایی را ندارد، (نه ذغال می‌شود و نه خاکستر و نه می‌میرد) و همچنین در آخرت عمری ابدی و بی پایان دارد، ولی آثار طول عمر دنیایی از قبیل کهولت و پیری و سال‌خوردگی را ندارد، و همچنین سایر شؤون حیاتی دنیایی را دارد ولی آثار دنیایی آن را ندارد، و این نیست مگر به خاطر اینکه عوارض و لوازم نامبرده از لوازم نظام دنیوی است، نه از لوازم مطلق نظام (چه دنیایی و چه آخرتی) پس دنیا دار تزامم و تمناع است، ولی آخرت چنین نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۲-۳۱).

۵. تفاوت در حالات روحی و نفسانی: از جمله باورها در مورد زندگی باطنی وجود حالات نفسانی همانند شادی، غم و لذت است. انسان‌هایی که وارد برزخ می‌شوند مطلوبات و تمنیات و مکالمات و مخاطبات دارند (خرازی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص: ۲۴۳) اما نکته مهم شدت این حالات است. رنج و سختی، درد و ناراحتی، شادی و لذت اخروی از این‌گونه حالات نفسانی در دنیا عمیق‌تر و شدیدتر است (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص: ۱۶۳). جرعهٔ آبی در بهشت همهٔ لذت شنیدنی‌ها مانند انواع موسیقی و

دیدنی‌ها مانند چهره‌های زیبا را دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۴۴) به تعبیر علامه تهرانی:

« به همان درجه‌ای که انسان در دنیا از عمل زشت خسته و ملول میشود و از عمل پسندیده مبهتج میشود و لذت میبرد، در عالم برزخ- که مخفیّات ظهورش افزایش می‌یابد و سرائر انکشافش بیشتر میگردد و قالب ماده‌ای که می‌افتد صورت‌های برزخی اعمالی که انسان انجام داده، با ملاحظه جان و روح ملکوتی آنها، ظهور میکند، و هر عمل متناسب با آن عالم برای انسان تجلّی می‌نماید- بواطن اعمال هزاران مرتبه اثرش قوی تر خواهد شد و انسان دست به گریبان با این آثار قویّه و شدید خواهد شد.» (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۸۳)

امیرالمومنین در آن هنگام که بلاهای دنیوی و اخروی را مقایسه می‌فرماید، بیان می‌دارد خدایا تو از ناتوانی من در مقابل بلاهای دنیایی که زمان آنها کم و شدت آنها اندک است باخبری حال چگونه صبر کنم بر بلاهای اخروی که زمان آنها طولانی و با دوام و شدت آنها فراوان است (دعای کمیل). درجایی دیگر این شدت حالات نفسانی را حضرت امیرالمومنین علیه السلام اینگونه بیان می‌دارد که افرادی که پا در سرای برزخ می‌گذارند سختی‌های آن سرای را سخت‌تر از آنچه می‌ترسیدند مشاهده کردند، در آن مدت منتهی درجه ترس و امیدواری هست... (شریف الرضی، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۰۰).

۶. تفاوت در امکان بیان ادراکات: ادراکاتی که انسان از عالم دنیا دارد را به راحتی منتقل کرده و درباره آنها گفتگو می‌کند. نور را می‌بیند یا هوای مطبوعی را حس می‌کند یا از خوردن غذایی لذت می‌برد می‌تواند آن را با دیگران در میان بگذارد. اما افرادی که از عالم برزخ و باطنی ادراکی دارند، نمی‌توانند آن را به درستی بیان کرده و تبیین نمایند. نوری را که دیده یا لذتی را که چشیده یا رنگی را که مشاهده کرده، نمی‌تواند به درستی و با کلمات همگانی بیان نماید. به تعبیر مفسر حقیقی قرآن امیرالمؤمنین علیه‌السلام اگر بعد از مرگ افراد به زبان می‌آمدند و می‌خواستند آنچه را دیده و دریافته‌اند را بیان کنند، نمی‌توانستند (همان).

تفاوت در مکان: با توجه به اینکه افراد دارای جسم غیرمادی و برزخی هستند، طبعا مکان غیرمادی و برزخی هم خواهند داشت. شخصی به امام صادق علیه‌السلام عرض می‌کند: برادری دارم که در بغداد زندگی می‌کند و می‌ترسم در همان شهر بمیرد. حضرت فرمودند: غمی به خود راه مده از این که چه کسی کجا می‌میرد، هرگاه مؤمنی در شرق و یا غرب عالم بمیرد خداوند روح او را به وادی‌السلام منتقل می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۶۳۲/۲۵). انتقال به وادی‌السلام یعنی برای فرد مکان قائل شدن و چون مادی و دنیای نیست، لاجرم اینگونه مکان‌ها غیرمادی می‌باشند.

تفاوت در ابزار ادراک: همان گونه که اگر مویی بر روی چشم ظاهر شود مانع از درست دیدن چشم می‌گردد، برای دیدن عالم باطن باید چشم باطن را باز نمود و از چشم سر عبور کرد (نریمانی، بی‌تا، ص: ۶۴) همان‌گونه که اهل الذکر آن هنگام که از دنیا منقطع می‌شوند اهل برزخ را می‌بینند و بر احوال آنها اشراف کامل پیدا می‌کنند و بر اثر ریاضت‌هایی که داشته‌اند پوشش آن عالم از جلوی دیدگان آنها کنار رفته است. (بحرانی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۳۲؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص: ۸۲) قرآن می‌فرماید عده‌ای از زندگی اخروی- برزخی و قیامتی- غافل هستند (سوره روم، آیه ۷). چه کسانی اهل غفلت‌اند؟ کسانی که از ظاهر و پوسته دنیایی عبور نمی‌کنند، از ادراکات حسی و ظاهری فاصله نمی‌گیرند. اما اگر از ظاهر عبور کرده و رابطه خود را با عالم دنیایی کاهش دهند از جمله غافلان نخواهند بود. پیامبر فرمود: اگر شیاطین دل‌های فرزندان آدم را احاطه نکنند می‌توانند به جهان ملکوت نظر افکنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۹/۷۰). یعنی با عبور از حواس ظاهری می‌توان عوالم و موجودات باطنی را مشاهده کرد.

تناسب عالم و ابزار ادراک: مسلما برای درک امور مرتبط با عالم دنیا از حواس ظاهری استفاده می‌کنیم، با چشم سر دیدنی‌های مادی را می‌بینیم و با گوش شنیدنی‌ها را می‌شنویم اما برای درک امورات عالم برزخ و باطن چنین حواسی به کار نیامده و باید از حواس مخصوص استفاده کرد. در عالم برزخ چشم و زبان و گوش و حواس برزخی احوال این عالم را درک می‌کند (اسفراینی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۷). در آموزه‌های فراوانی به امر ادراک در عالم باطن پرداخته شده است که این به دلیل از کار افتادن حواس ظاهری، با حواس باطنی انجام می‌شوند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: هنگام نزول وحی صدای ناله شیطان را می‌شنیدم، می‌پرسیدم یا رسول‌الله، این صدای چیست می‌فرمود که صدای شیطان است، از این که او را بپرستند،

نومید شده است. تو هم می‌شنوی، هر چه من می‌شنوم و می‌بینی آنچه من می‌بینم، جز آنکه تو پیامبر نیستی ولی تو وزیر منی، تو به راه خیر می‌روی. (خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه (قاصعه).

ارتباط عالم برزخ و دنیا: باور مسلم این است که وقتی فرد وارد عالم برزخ شد می‌تواند با عالم دنیا ارتباط گرفته و اهل خود که در دنیا هستند را ببیند و زیارت کند. امام صادق علیه السلام فرمود: همانا (میت) مؤمن اهل خود را زیارت می‌کند و آنچه را که دوست دارد می‌بیند و آنچه ناخوش می‌دارد از او پنهان می‌شود؛ و همانا (میت) کافر هم اهل خود را زیارت می‌کند، پس آنچه ناخوش دارد را می‌بیند و آنچه دوست دارد از او پنهان می‌شود. حضرت فرمود: برخی از آنها هر هفته دیدار می‌کنند و برخی از آنها بر حسب اندازه عملشان زیارت می‌کنند! (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۲۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۴/۱۹۶)

بررسی گزارش‌های صاحبان تجارب نزدیک به مرگ نشان می‌دهد که تجارب آنان از ویژگی‌های مشابهی برخوردار بوده است. صاحبان تجارب مدعی‌اند حیات واقعی را درک کرده و آگاهی ویژه‌ای داشته‌اند (Long, 2011, P.62). هم خود از جسم و امتداد برزخی برخوردار بوده‌اند (مودی، ۱۳۷۷، ۵۸). و هم موجودات با اجسام غیرمادی را مشاهده کرده‌اند (مورس، ۱۳۸۰، ۱۴۹). تجربه‌های ایشان محدود به مکان و زمان مادی نبوده (مودی، ۱۳۷۷، ۱۴۵؛ صادقی، ۱۳۹۷، ۱۵۷-۱۷۰) و تضاد و تراحم در آنها، وجود ندارد (مودی، ۱۳۶۶، ۷۷). حالات نفسانی مانند ترس و لذت در اوج بوده و افراد توان بیان حقیقت مشاهدات خود را ندارند و بعد از گذر از ظاهر و کاشش توجه به بدن به باطن رسیده و با ابزارهای باطنی ادراکات خود را انجام می‌داده‌اند (توانا، ۱۳۹۶، ۴۵). تجربه‌گران مشاهداتی از عالم دنیا و ماده داشته‌اند (مورس، ۱۳۸۰، ۱۴۹؛ هاموند، ۱۳۷۴، ۲۳). این اشتراک میان عالم باطن و تجربیات نزدیک به مرگ زمینه مناسبی برای تحلیل این تجربیات در عالم باطن را فراهم می‌کند. چنانچه خواهیم گفت با گذر از عالم دنیا و محسوسات ظاهری فرد به عوالم باطنی وارد می‌شود که دارای مراتب بوده و از باطن انسان آغاز و در ادامه به عوالم برزخی و مثالی این سیر ادامه پیدا می‌کند.

بدن مادی/روح غیرمادی برزخی

آنچه متکلمان بر آن تاکید داشته و مفسران بر پایه آیات قرآن بر آن صحه می‌گذارند این حقیقت است که انسان در کنار جسم مادی خود، روح و نفس غیرمادی نیز دارد. به تعبیر فاضل مقداد:

«انسان مرکب است از دو جوهر، یکی جسم که بدن باشد و دیگری روح که نفس ناطقه بود» (لاهیجی، ۱۳۸۳، ص ۵۱)

مرحوم خواجه نصیرالدین اینگونه استدلال می‌کند:

«معلوم است که جسم را از آنجا که جسم است هیچ فعل و حرکت نیست البته زیرا که اگر جسم را بذات خود حرکت و فعل بودی بایستی هر اجسامی که در یک حدّ داخل بودندی همه را حرکت و فعل بر یک گونه بودی، و می‌بینیم که نه چنین است، و ما اجسامی می‌بینیم که هیچ حرکت و فعل از ایشان صادر نمی‌شود البته و اجسامی می‌بینیم که افعال و حرکات از ایشان صادر میشود و میدانیم که آن حرکات و افعال از قوتی که ماورای جسمیت است..... و نفس انسانی نامتجزی و نامنقسم است و پس از فنای بدن و مفارقت باقی می‌ماند» (طوسی، ۱۳۶۳، ص ۲۳-۲۲)

قرآن هنگامی که از مردن و افتادن بدن مادی و جسم دنیوی روی زمین و مقابل دیدگان انسان‌ها سخن به میان می‌آورد از ساحتی بحث می‌کند که توسط خداوند (سوره زمر، آیه ۴۲) یا ملک الموت (سوره سجده، آیه ۱۱) اخذ می‌شود. این سخن دو معنا دارد یکی اینکه انسان محدود به بدن مادی نیست و دیگر اینکه حقیقت انسان بدن مادی نیست بلکه انسان در کنار ساحت جسمانی، روح و نفس غیرمادی دارد که حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد. در حقیقت ساحت غیرمادی و نفسانی توسط ملک الموت دریافت می‌گردد. مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه ۴۲ زمر می‌فرماید: در این آیه کلمه (توفی) و (استیفاء) به معنای گرفتن حق به نحو کامل می‌باشد. از طرف دیگر مضمون آیه، از گرفتن و نگه داشتن و رها کردن است، ظاهر آیه از دوگانگی نفس و بدن حکایت دارد. (علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۱. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۵۲۸).

با توجه به فضای آیات و روایاتی که در ارتباط با نفس انسان سخن می‌گویند مثل اینکه سخن از عالم قرار داشتن نفس در

عالم برزخ است؛ همچنین دقت در نقل‌های ناظر به نعمات، نعمات و ادراکات انسان بعد از مرگ، مجرد برزخی بودن نفس برداشت می‌شود. یعنی نفس دارای هویتی مجرد از ماده با تجردی برزخی است. وقتی از ابدان، ادراکات و... برزخی و مثالی قبل از قیام قیامت، گفتگو می‌شود، نفسی که به این ابدان تعلق دارد و از چنین نعمت‌هایی بهره می‌برد و چنین ادراکاتی را دارد و چنین عذاب‌هایی را می‌چشد، نفس غیرمادی برزخی است بنابراین نفس حقیقتی برزخی دارد. علامه طباطبایی در ارتباط با آیه أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا (سوره فرقان، آیه ۲۴) می‌فرماید؛ مقیل اسم مکان از قیلوله است و به خواب برای قیلوله، مقیل گفته می‌شود، البته مراد خواب دنیایی نیست بلکه در مقابل بیداری قیامت، خواب حساب می‌شود. روشن است که خواب در بهشت اخروی و قیامتی وجود ندارد، پس این خواب باید در عالم برزخ باشد و این یعنی فضای آیه، فضای عالم مثال و برزخ است و نفس مومنینی که در این عالم هستند، دارای تجرد برزخی هستند. (علامه طباطبایی، الرسائل التوحیدیه، ص ۲۲۱). همچنین اندیشمندان و مفسرانی مانند علامه طباطبایی و دیگران با تکیه بر آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مومنون معتقدند حقیقت انسانی از جسم و ساحت مادی آغاز شده و با عبور از آن به ساحت غیرمادی و مجرد برزخی پا می‌گذارد. یعنی آن هنگام که خلقت مادی به پایان رسید، ساحت غیرمادی انسان خلق شده بنابراین انسان واجد ساحت غیرمادی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱/۳۵۲؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۳، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ همو، ص ۱۴۲۷، ۴/۲۰؛ صادقی تهرانی ۱۳۸۸، ۴/۴۳۰). این سخن به این معناست که هویت حقیقی انسان‌ها برزخی و غیرمادی است. نکته مهم در مورد نفس این است که تا وقتی به بدن و ساحت مادی توجه دارد از ذات مجرد برزخی خود غافل است؛ با کاهش توجه به بدن، به حقیقت خودش توجه می‌کند. تعبیر قرآن در مورد مؤمنی که مردم او را شهید کردند این است که: «گفته شد داخل بهشت شو» (سوره یس، آیه ۲۶) مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید؛ اینکه قرآن به جای خبر از قتل، از دخول او در بهشت خبر می‌دهد، مشخص می‌شود میان کشته شدن او یعنی فاصله گرفتن از جسم مادی و داخل شدنش در بهشت برزخی فاصله‌ای نبوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷، ۱۱۵). بر این اساس هر مقداری که انسان از بدن مادی خودش فاصله می‌گیرد امور باطنی را درک می‌نماید. با توجه به آنچه گذشت، در تجربیات نزدیک به مرگ که افراد در شرایطی قرار دارند که ارتباط نفس با بدن مادی به شدت کاهش یافته و در این هنگام ادراکات و مشاهداتی را تجربه می‌کنند، در واقع نفس آنها فرصتی را به دست می‌آورد که به عالم باطن توجه کنند. مودی در پاسخ به سوال خانم مسنی که از او سوال کرد که آیا تجربه‌گران واقعا می‌میرند، گفت چون مرگ به صورت برگشت‌ناپذیر تعریف شده است، و از طرفی دیگر همه تجربه‌گران از مرگ برگشته‌اند پس هرگز واقعاً نمرده‌اند هر چند به مرگ خیلی نزدیک هستند. (Moody, 1989, p45) سرجان اکلس عصب‌شناس معروف که در زمینه هشیاری تحقیقاتش متمرکز است می‌گوید، چاره‌ای نداریم جز اینکه قبول کنیم، موجودی هستیم که با روح خود به دنیای معنوی تعلق داشته و با جسم خود به عالم ماده و دنیا تعلق داریم. (Eccles, 1991, p241) تجربه‌گری اینگونه می‌گوید: غروب جمعه بود که من مُردم. من از نظر بالینی مُرده بودم.... آن وقت بود که "نور" را تجربه کردم؛ می‌توانم به شما بگویم که عشق، آرامش، قدرت و گرما را از نور احساس کردم. (Abraham Varghese and Moody, 2009, p52)

روح و بدن برزخی

صاحبان تجارب نزدیک به مرگ بعد از فاصله گرفتن از بدن مادی، بدن متفاوتی را تجربه کرده‌اند. (Green, 1968, p18). بدن غیرمادی از منظر تفسیری - کلامی مورد توجه قرار گرفته است. شیخ مفید بر این عقیده است که روح در عالم قبر بر جسدی غیر از جسد دنیایی یعنی به «مثال» تعلق می‌گیرد. (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق الف، ص ۷۶ و ۷۷؛ همو، ۱۴۱۴ق ب، ص ۹۸ و ۱۰۲). صدرالمتألهین نیز در نگاهی کلامی به این مسئله، در تفسیر خود ذیل آیه: وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ می‌گوید: «این آیه به بدن برزخی اشاره دارد که نفس به آن تعلق می‌گیرد و نفس انسانی تا هنگامی که در برزخ به سر می‌برد و پیش از بعث و قیامت به همین بدن تعلق دارد، (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۵ق، ج ۵ ص ۱۵۶). این بدن چون متفاوت از بدن مادی دنیایی است طبعاً احکام، شرایط و خصوصیات خود را خواهد داشت به گونه‌ای که با عالم باطن هماهنگی دارد؛ در واقع این بدن‌ها در ظاهر همانند بدن‌های دنیایی هستند ولی از جنس ماده نبوده و جرم و وزن ندارند اما از برخی لوازم و خصوصیات اشیای مادی همچون شکل و اندازه برخوردار هستند (سعیدی مهر، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۸۸) مومنان با آن‌ها نعمت دریافت کرده و کافران و فاسق با آن‌ها عذاب می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۸/۸۳). امام صادق

علیه السلام فرمود: ... [چون نفس از بدن فاصله گرفت] روح در همان شکل و حالت دنیاییش قرار می‌گیرد؛ می‌خورد و می‌آشامد و هر گاه پیشوازی نزد ایشان آید، او را به همان شکل و حالت دنیایی می‌شناسند و او را تهنیت گویند (طوسی، ۱۴۰۷، ۱/ ۶۶؛ شعیری، بی‌تا، ۱۷۱). بر این اساس انسانها بعد از فاصله گرفتن از بدن مادی بدن برزخی خواهند داشت، آن چیزی که ریموند مودی آن را "بدن روحانی" می‌نامد (مودی، ۱۳۷۷، ۱۳۷). جوکیهای هند و راهبهای تبتی عملاً در کنار اندیشمندان و تجربه‌گران نزدیک به مرگ بر چنین مطلبی صحه گذاشته و معتقدند انسان یک جسم فیزیکی و یک جسم اثری (مثالی) دارد؛ البته آنها بر این ادعا هستند که میتوانند از جسم مادی خارج شوند. (هاموند، ۱۳۷۴، ص ۲۹) در گزارشی آمده است متوجه شدم بدنی دارم اما بدنی کاملاً متفاوت. (Michael, 2010, p33) مرحوم قوچانی در تجربه خود می‌گوید: بعد از اینکه مطالب لازم را نوشتند، آنها را لوله کرده و طوق گردن کردند سپس قفسه آهنینی که اندازه بدن من بود را آورده و مرا بلند کرده و در میان آن گذاردند و پیچ و مهره آن را پیچیدند؛ در اثر آن و در فشار قرار گرفتن بدنم، نفسم قطع شد و در نهایت آن قفسه که در ابتدا به اندازه بدن من بود، به اندازه تنوره سماور کوچکی درآمد؛ استخوان‌هایم خورد شدند و روغن من گرفته شد (نجفی قوچانی، ۱۳۸۰، ۸۸). این داستان‌ها و مانند آن نشان می‌دهد در مرتبه باطنی و برزخی نیز جسم متناسب با آن وجود دارد. هر چند بدن غیرمادی و برزخی به لحاظ زمانی و مکانی محدود نباید باشد ولی آموزه‌های کلامی-تفسیری از رفع محدودیت‌های متفاوت مومن و غیرمومن و کافر خبر می‌دهند. مثلاً وقتی قرآن کریم سخن از ظالمان به میان می‌آورد، می‌فرماید این افراد چشم دل خود را کور کرده‌اند (سوره حج، آیه ۴۶). یعنی این افراد ظالم به سبب اعمال ناشایست و زشت، بینایی باطنی خود را از دست داده‌اند. امام عسکری علیه السلام در نامه‌ی به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری فرمود: «ای اسحاق، به یقین بدان، هرکس که از این جهان کور خارج شود، در آن جهان نیز کور است و گمراه‌تر. ای اسحاق، منظور نه کوری چشم است بلکه کوری دل‌هایی که در سینه‌ها است». (طایی، ۱۴۳۹ق، ج ۹، ص ۳۰۶). بر پایه این روایات افراد آن هنگام که با بدن برزخی همراه و قرین می‌گردند یکسان آزادی بینایی ندارند و هیچگاه مومنین مانند فجار نخواهند بود.

این تفاوت در آزادی از آموزه‌هایی که ناظر به دیدار مردگان با اهل آنها می‌باشند، نیز قابل استفاده است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُزَوَّرُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يُحِبُّ وَ يُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ وَ إِنَّ الْكَافِرَ لَيُزَوَّرُ أَهْلَهُ فَيَرَى مَا يَكْرَهُ وَ يُسْتَرُّ عَنْهُ مَا يُحِبُّ قَالَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَزَوَّرُ كُلَّ جُمُعَةٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَزَوَّرُ عَلَى قَدَرِ عَمَلِهِ. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/ ۲۳۰) در روایت دیگری فرمود آزادی به اندازه فضائل افراد است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵۷/۶) تجربه‌گران در ضمن تجارب خود یافته‌اند که به راحتی می‌توانند از میان موانع طبیعی مثل درها، دیوارها، سقف‌ها، و سایر اشیاء مادی عبور کنند بدون آنکه آن اشیاء مانعی برای آنها محسوب شوند (Green, 1968, p23). در این زمینه، گزارشی به نقل از یکی از تجربه‌کنندگان آمده است: «متوجه شدم که بدنی دارم، اما این بدن کاملاً متفاوت و با قدرتی بس شگرف بود» (Michael, 2010, p 33). در گزارش خانمی آمده که: چنین حسی داشتم که هر چیزی در هر جای دنیا اتفاق می‌افتاد من آنجا حاضر بودم (مودی، ۱۳۷۷، ۱۴۵). یا در مورد زمان می‌گویند به نظر می‌آمد زمان متوقف شده است (همان، ۱۴۱). دیگری می‌گوید: همه را در یک لحظه دیدم، هم زنده و هم مرده را. پدر بزرگ و مادر بزرگم و پدر و مادرم را که فوت کرده بودند در آغوش گرفتم. همه را در آغوش گرفتم؛ لحظه‌ای زیبا بود... (Abraham, Varghese and Moody, 2009, p171).

روح و حواس باطنی

روح انسانی قوای متعددی در اختیار دارد. به تعبیر قرآن نفس سمع، ابصار و افئده دارد (سوره نحل، آیه ۷۸) به تعبیر مفسران حواسی که با آن علم پیدا می‌کنید و بر آنچه جاهل هستید واقف می‌گردید (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص: ۶۱۵) در روایتی حضرت امیر المومنین علیه السلام از عقول، افکار، قول، حواس و اعضاء نام می‌برد (کراجکی، ۱۴۱۰، ۱/ ۲۰۰). تا زمانی که نفس انسانی با بدن مادی ارتباط دارد قوای ظاهری نقش آفرینی دارند اما هنگام فاصله گرفتن و کاهش ارتباط نفس از بدن مادی قوای باطنی فعالیت می‌کنند. به عنوان نمونه در مشاهدات منامی و در عالم خواب مشاهدات و ادراکات افراد با قوای باطنی صورت می‌گیرد. مرحوم خواجه نصیر این مهم را اینگونه بیان می‌نماید:

«نفس خیالی متوسط است میان نفس حیوانی و نفس انسانی و او روئی با حسّ و محسوسات دارد و روئی با عقل و

معقولات، اگر با نفس حیوانی متحد شود تخیلی بآلت جسدانی تواند کرد و محتاج آن آلت باشد و بفساد او فاسد شود، و اگر با نفس انسانی متحد شود و حسّ معانی بی‌آلت جسدانی تواند کرد و از آن آلت مستغنی باشد و ببقای نفس باقی ماند، و هم در سعادت نفس شریک باشد و هم در شقاوت او، و چون نفس از بدن مفارقت کند از خیال، هیئتی در نفس بماند و از هر چه نفس خیالی دانسته باشد و کرده، همچنین نفس انسانی قدر آن ثواب و عقاب تعیین یابد» (طوسی، ۱۳۶۳، ص ۲۳)

علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: قوه خیال آن قوه باطنی ایست که عمل ادراک را انجام می‌دهد و مشغول فعالیت می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱/ص ۳۶۷). از ماده خیال قرآن در جریان ساحران فرعونی بهره برده و می‌فرماید: در اثر سحر ساحران خیال کردند که ریسمان و طناب‌های آن‌ها حرکت می‌کنند (سوره طه، آیه ۶۶). در مورد تصور انسان از خداوند که یک موجود غیرمادی است و هرگز در دام قوای ظاهری نمی‌افتد امام باقر علیه السلام می‌فرماید: آنچه را در ذهن خود با دقیق ترین معانی توهم و تخیل کنید، مخلوق و مصنوعی هم چون خودتان است که به سوی شما بازگردانده و ردّ می‌شود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۹۲/۶۹).

بررسی آموزه‌های مرتبط با خیال و متخیله نشان دهنده این است که:

خلق کننده صورت‌های ذهنی می‌باشد. به تعبیر فاضل مقداد: توانایی ابداع تصاویر در این جهان را دارد؛ اما تصاویر ابداعی او محسوس نیستند. (لاهیجی، ۱۳۸۸، ۶۶۳) مرحوم علامه در تفسیر المیزان بیان زیبایی دارد:

«هم چنان که وقتی آدمی در بیابانی وسیع و بی کرانه قرار بگیرد- و در آنجا مونسى نداشته باشد و شب ظلمانی فرا رسد که دیگر چشم جایی را نبیند- در چنین وضعی هیچ مایه دلگرمی که او را ایمنی ببخشد و مخاطر را از غیر مخاطر برایش جدا سازد وجود ندارد، نه نوری و نه چراغی و نه هیچ ایمنی بخش دیگری هست. در چنین وضعی چه بسا می‌شود که خیال او صورت‌هایی در ذهنش تصویر کند، از قبیل حرکات و رفت و آمدها و صعود به آسمان و نزول به زمین و یا اشکال و تمثالهایی برایش تصویر می‌کند و لا یزال این تصاویر را در نظرش تکرار می‌کند، تا در ذهنش نقش ببندد بطوری که اگر در وقتی دیگر و جایی دیگر، دچار وحشت شد، آن صحنه‌های خیالی دوباره بیادش می‌آید و ای بسا آن صحنه‌ها را برای دیگران نقل میکند و در دیگران نیز همان ترس و دلهره را ایجاد میکند و دیگران نیز به دیگران میگویند تا آنکه منتشر میشود، در حالی که اصل آن خرافات بود و جز به یک خیال واهی منتهی نمیشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص: ۶۳۸)

بعبارت دیگر نیروی متخیله در زندگی نیروی خلاقه و ایجاد است از آنجایی که از نظر وجود مزاحم حواس پنجگانه ظاهری می‌باشد در فضای فعالیت حواس ضعیف می‌باشد ولی در عالم برزخ که حواس ظاهری فعال نمی‌باشند نیروی خلق و ایجاد روح بنهایت خواهد رسید (حسینی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص: ۱۱۵)

۲) محل جولان شیطان بوده و شیطان خواسته‌های خودش را با کمک خیال شکل داده و به انسان نشان می‌دهد. از جمله لشکریان نفس، خیال است که به تجزیه و ترکیب و دور و نزدیک کردن می‌پردازد تا شهوت نفس غلیان یابد و میل آن به این یا آن شیء زیاد شود. پس حرکت خیال همان عنصری است که به واسطه آن وسوسه شیطان به نفس راه می‌یابد. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص: ۴۱۹) قرآن نیز به مساله تزیین شیطانی تصریح داشته و آن را از جمله کارهای سلطان معرفی می‌کند. شیطان کارهای زشت را زیبا جلوه می‌دهد و برای فرد صورت‌های بدگل را خوشگل به نمایش می‌گذارد. (سوره انفال، آیه ۴۸). در واقع آن هنگام که به صورت اختیاری یا غیراختیاری قوای ظاهری کنار گذاشته شده و خیال میدان دار می‌شوند شیاطین این مجال را پیدا می‌کنند تا تصرفات مد نظر خود را اعمال کرده و مقصود خود را تحمیل نماید. فاضل مقداد هنگامی بررسی داستان حضرت آدم و حوا با شیطان به ورود شیطان از طریق خیال اشاره دارد و می‌گوید: «شیطان که به خیال آدم و حوا افکند که آنچه مشاهد است در ملک از حسن صورت و کمال قوت، حاصل تواند شد به سبب اکل شجره». (لاهیجی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۹).

۳) خیال راه ورود به عالم باطن است. به دلیل سازگاری خیال نفس با خیال عالم و برزخ، فرد از دریچه خیال به خیال عالم راه پیدا می‌کند. اهل تفسیر بر این حقیقت صحه می‌گذارند صور برزخی توسط خیال به فرد منتقل می‌شود. (حقّی برسوی،

بی‌تا، ج ۴، ۲۵۹؛ آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۸۲) در این زمینه به افرادی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام می‌توان اشاره کرد. قهرمان توحید توانست از محدوده خیال نفس خودش عبور کرده و به خیال و برزخ عالم راه پیدا کند. توانست حقایق عالم باطن را به نظاره بنشیند و ملکوت آسمان و زمین را مشاهده نماید. یوسف پیامبر در رؤیای صادقه خود توانست آینده را مشاهده کرده و از سجده برادران خبر دهد. در رؤیای صادقه است که سایر افراد توانستند از حصار خیال نفس رهایی یافته و وارد عالم خیال و برزخ شوند.

با توجه به توضیحات ارایه شده، توانایی‌ها و خصوصیات عالم خیال آنچه تجربه‌گران ادراک کرده اند یکی از گونه‌های زیر می‌باشد:

(۱) تجربیات آنها می‌تواند حقایقی از عالم برزخ باشد؛ مانند آنچه در کتاب نشانی از بی‌نشان‌ها در احوال مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی توسط فرزند ایشان نقل شده است:

«در نیمه شبی، حال پدرم سخت شد، طبیبان به عیادتش آمدند و پس از معاینات پزشکی، اعلام کردند که بیمار از دنیا رفته است، لیکن با شگفتی فراوان، قلب پدرم پس از توقف، دوباره بکار افتاد و روز بعد یکی از پزشکان معالجش که دکتر سید ابو القاسم قوام نام داشت به من اظهار کرد: پدرت دیشب درگذشت، ولی مجدداً به زندگی بازگشت..... پدرم فرمود: شب گذشته روح از بدنم مفارقت کرد و به خدمت امام رضا (علیه السلام) مشرف شدم و وسیله استاد خود مرحوم حاج محمدصادق از امام تقاضا کردم که برای تکمیل وصایای خود، یک هفته مهلت داده شوم. امام اجازت فرمودند، اما غدغن کردند که دیگر چنین درخواستی نکنم...» (مقدادی اصفهانی، ۱۳۷۳، ۱/ ۳۱-۳۲).

(۲) تجربیات نزدیک به مرگ می‌توانند به یادآوری تجارب پیشین فرد در طول زندگی‌اش مربوط باشند که در چنین موقعیتی، قوه خیال آن‌ها را بازبینی و بازپخش می‌کند (Williams, 2002, p 55 & Sabom, 1982, p 74 & Moody, 2001, p 66). نمونه‌ای بارز از این قبیل، تجارب افرادی است که از مشاهده حوادث زندگی خود صحبت کرده و می‌گویند: «تمام رویدادهای زندگی‌ام را یک‌باره دیدم» (Blackmore, 1993, p 183 & Moody, 2001, p 60). به‌عنوان نمونه، فردی در گزارشی از تجربیاتش بیان کرده است: «تک‌تک رویدادهای ۲۲ سال زندگی‌ام در قالب یک مرور سه‌بعدی فوری، [به گونه‌ای که] هر ثانیه از آن سال‌ها با جزئیات شگفت‌انگیز، به صورت لحظه‌ای در برابر من نمایان شد» (Ring, 1980, p 44) 3) می‌تواند ناشی از القانات شیطانی باشند (Greyson, 2006, p 408).

(۳) یا ممکن است تجربیات نتیجه‌ای از خیال فرد تلقی شوند (Fischer, 2016, p 35). به‌عنوان مثال، مردی ۵۰ ساله گزارش کرده که کشتی‌های بادبانی زیبا را در حال حرکت بر روی سقف اتاقش مشاهده کرده است (اوسیس و هارالدسون، ۱۳۷۵، ص ۱۷۳).

هرچند تشخیص اینکه کدام یک از تجارب ناشی از عالم مثال منفصل و کدام یک خیالی، شیطانی یا یادآوری‌های ذهنی هستند، کار دشواری می‌باشد همانند تجارب رؤیا متخصص خود را طلب مینماید.

روح و پیش دانسته‌ها

وقتی توجه نفس انسانی به بدن مادی کاهش پیدا می‌کند مشاهدات فرد و ادراکات او می‌توانند تحت تاثیر حالات، انتظارات، اندیشه‌ی گذشته، شرایط جسمانی و باطنی، علاقه و حب و بغض فردی، طهارت نفسانی، سجایای اخلاقی و صفات نفسانی و... قرار گیرند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۶۸). مفسرین اضغاث و احلام را در ارتباط با همین تاثیرگذاری‌ها دانسته و شرایط مزاجی و جسمانی، تفکرات سابق فرد در طول زندگی، و... را از عوامل مشاهدات و ادراکات نامنظم، بهم ریخته و مختلط می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۹۳؛ همان، ج ۳، ص ۲۱۴؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۲۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۲۰۴) روایت در ارتباط رؤیا یعنی زمان کاهش وابستگی نفس به بدن می‌فرماید: رؤیا از غلبه اخلاط بدن یا افکار فرد است (قمی، ۱۴۱۴، ۲۴۶/۳). مطابق نقل و سخن مفسران مشاهدات انسان هنگام کاهش ارتباط با

بدن متأثر از تفکرات قبلی باشد. پیامبر فرمود: حدیث نفس‌هایی که انسان با خودش دارد را در خواب مشاهده می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۱/۵۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۱/ ۱۶۹) در توضیح حدیث نفس شارح کتاب روضه اینگونه بیان میکند که اگر می‌خواهی بدانی که مشاهدات حدیث نفسی کدام است باید دید که در بیداری به چه مشغول بوده‌ای که همان بر نفس مستولی شده و هنگام فاصله گرفتن از ظاهر و رفتن به سوی باطن مشاهده می‌شوند. (ابن قاریاغدی، ۱۳۸۷، ۹۹/۲).

در تحلیل و تبیین تجربیات نزدیک به مرگ نباید از عنصر پیش‌دانسته‌ها غافل شد. در به عنوان مثال مرحوم قوچانی در کتاب سیاحت غرب چنین نقل می‌کند: «از یک نفر که از قصر بیرون آمد سوال کردم چه خبر است گفت حضرت عباس بر یکی از علمای بدکار غضب کرده است و بعد از اینکه به سزای عملش رسید آقا آرام شد و من جوان کم سن و سالی را در کنار او می‌دیدم که مانند خورشید می‌درخشید، وقتی از او سوال کردم گفتند گویا حضرت علی اصغر است، مگر خط سرخ طوق مانند زیر گلولی او را نمی‌بینی که گلولی مبارک را زینت داده است؟ (نجفی قوچانی، ۱۳۸۰، ۱۳۰-۱۳۲) در مورد تأثیر فرهنگ بر مشاهدات توجه به مطلب که اوسیس نقل می‌کند لازم است؛ ایشان بعد از نقل گزارش تجربه‌های هندیها که بعضاً همراه با رقص و پای‌کوبی است، می‌گوید: ما هرگز ندیدیم که دختران در آمریکا در باغهای آسمانی رقص یا بازی کنند. یعنی کسی از آمریکایی‌ها چنین مشاهداتی ندارد. وی در بیان علت این امر می‌گوید: یا جوانان آمریکایی رسمیت‌رند و یا رقص و پای‌کوبی در بین جوانان هندی رواج بیشتری دارد (اوسیس و هارالدسون، ۱۳۷۵، ۱۸۰). با توجه به زمینه‌های اعتقادی، فرد ممکن است کریشنا، رام، مسیح، موسی،... را ببیند (واسوانی، ۱۳۸۱، ۴۲). موبد این تأثیر پیش‌دانسته‌ها گزارشاتی است که از مشاهده اتفاقات طول زندگی یا مشاهده حب و بغض‌ها، یا علاقه و گرایش‌ها سخن به میان می‌آید.

روح و ادراک شهودی

بررسی باور متکلمان و آیاتی همانند آیات سورة زلزال یا آیه ۳۰ آل عمران، همچنین روایات نشان می‌دهند که نفس انسانی بیننده و شنونده است. نفس است که ادراک کرده و مشاهده می‌کند، همان نفس بیننده افعال را انجام می‌دهد. بر این اساس باید گفت با نگاه کلامی - تفسیری، خود نفس در همه افعال حضور دارد. قرآن می‌فرماید: هر کسی به اندازه ذره المثقالی کار نیک یا شر انجام دهد آن را مشاهده می‌کند (سورة زلزال، آیه ۷-۸) بر اساس این دسته آیات، نفسی که در دنیا عمل را انجام می‌دهد روز قیامت نتیجه آن را مشاهده می‌نماید. برخی شهود نفس را اینگونه توضیح می‌دهند که روح هنگام قطع رابطه خود از بدن می‌تواند امور محسوس و جسمانی را با حس باطنی درونی و ذاتی خود مشاهده نماید. (حسینی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص: ۴۸) امام صادق علیه‌السلام در مورد میت می‌فرماید: به دیدار اهل خود می‌آید - مؤمن باشد یا کافر - به عالم دنیا و مادی سفر می‌کند و اگر مؤمن باشد خوشی‌ها و اگر کافر باشد بدی‌ها را می‌بیند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۳۰/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۶/۱۴) مطابق این روایت نفس است که می‌بیند زیرا چشم مادی در کار نیست؛ همچنین آمدن و رفتن را نفس انجام می‌دهد. حقیقت این است که نفس زمان ارتباط با بدن مادی از ابزار مادی استفاده می‌کند و زمان فاصله گرفتن از بدن مادی از قوای باطنی بهره می‌برد. در مورد ادراکات دیگر مانند شنیدن و حتی سخن گفتن این روایت پیامبر توجه کردنی است. حضرت مردگان را مخاطب قرار داده و با آن‌ها سخن می‌گفت در این زمان اطرافیان از حضرت سؤال کردند، آیا با مردگانی سخن می‌گویی که نمی‌شنوند؟ حضرت جواب داد ایشان از شما شنواترند و اگر اجازه داشته باشند، با شما سخن خواهند گفت. (مفید، ۱۴۱۴، ۹۲؛ همو، ۱۴۱۳، ۳۹۲)

در گزارش صاحبان تجارب نزدیک به مرگ آمده که ایشان می‌دیدند و می‌شنیدند و باوجوداینکه از بدن مادی و تدبیر آن تا حد زیادی فاصله گرفته‌اند قادر بوده‌اند امور و اتفاقات اطراف خود را نظاره کنند. یک خانم با وضوح بیشتری به دیدن و شنیدن در زمان انفصال از بدن می‌پردازد. او می‌گوید: با ماشین سیاه رنگی برخورد کردم که آخرین چیزی است که به یاد می‌آورم، تا زمانی که بالای صحنه تصادف بودم، خیلی جدا شده بودم. یاد نمی‌آید چیزی شنیده باشم، مثل این بود که [تا] پشت بام‌ها شناور بودم یا کمی بالاتر... خیلی خوشایند بود. یاد می‌آید گوشواره را دیدم که شکست... کفشم زیر چرخ له شد... لباس جدیدم خراب شد... و هنگامی که خدمه مرا روی برانکار بلند کردند، بدنم را به شکل نیم رخ دیدم. من در واقع جلو و کنار ماشین بودم و همه اینها را می‌دیدم. یاد می‌آید که به چشمان من نگاه می‌کردند... مردمک هایم را چک می‌

کردند. سپس شروع به بلند کردن بدنم کردند یادم می آید که من را گذاشتند، یعنی بدنم را داخل آمبولانس. ... بعد از اینکه کاملاً به هوش آمدم، کور از خواب بیدار شدم و حدود ۳۰ دقیقه نمی توانستم ببینم. (Michael, 2010, p1)

بر این اساس با توجه به ادراک شهودی نفس، چنین گزارشی به مشاهده مستقیم نفس برگردد که گاهی از حواس ظاهری استفاده می کند و گاه امور دیگر را به خدمت می گیرد. مهم آن است که بیننده و شنونده نفس است که بافاصله گرفتن از بدن مادی همچنان بر بیننده یا شنونده بودن خود باقی است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با رویکرد کلامی-تفسیری به تحلیل تجربیات نزدیک به مرگ (NDE)، چارچوبی نظری قوی برای درک واقعیت هستی شناختی و انسان شناختی این پدیده فراهم آورد. یافته ها نشان دادند که NDE، نه تنها یک رویداد صرفاً روانشناختی یا فیزیولوژیک نیست، بلکه می تواند بازتابی از انتقال موقت نفس از ساحت مادی به ساحت های غیرمادی باشد.

NDE به عنوان تجربه ای در ساحت نفس بوده و عمدتاً در قوای باطنی نفس (مانند خیال) رخ می دهند که با آموزه های اسلامی در باب استقلال نفس از بدن سازگار است. مشاهدات مربوط به مواجهه با عوالم و موجودات غیرمادی هر چند اندک، با تئوری عالم برزخ در کلام و تفسیر اسلامی همخوانی دارد. در مجموع، تحلیل کلامی و تفسیری اسلامی به درکی معقول تر و عمیق تر از پدیده NDE کمک می کند و نشان می دهد که این تجربیات می توانند به عنوان ارتباطی میان دنیای مادی و عالم غیرمادی و غیبی که در آموزه های دینی ما مطرح شده اند، تلقی گردند. این چارچوب نظری، به درک بهتر رابطه نفس، بدن، و عوالم هستی در مواجهه با پدیده هایی چون NDE یاری می رساند.

منابع

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق)، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدّه الداعی و نجاح الساعی، بی جا: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق.

ابن قاریاغدی، محمد حسین، البضاعه المزجاء (شرح کتاب الروضه من الکافی لابن قاریاغدی)، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۷.

اسفراینی، ملا اسماعیل، أنوار العرفان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.

آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، قم: نور علی نور، ۱۴۲۲ق.

بحرانی، ابن میثم - شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدی مقدم و نوایی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۷ق.

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، ج ۳، ج ۲، ۱۳۶۶ش.

الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ناشر: اسماعیلیان، قم، سال چاپ: ۱۴۱۵ق.

- حسینی تهرانی، محمدحسین، نور ملکوت قرآن، مشهد مقدس: علامه طباطبائی، ۱۴۲۷ق.
- حسینی تهرانی، محمدحسین، الشمس الساطعه، بیروت: دار المحجّة البيضاء، ۱۴۱۷ق.
- حسینی تهرانی، محمدحسین، مهر تابان (طبع قدیم)، قم: باقر العلوم (علیه السلام)، بیتا،
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین، معاد شناسی، مشهد: نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۳ق.
- حقّی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- حسینی همدانی، سید محمد، درخشان پرتوی از اصول کافی، قم، چاپخانه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، قم، موسسه امام صادق، ۱۳۸۲.
- خرازی، سید محسن، بدایه المعارف الإلهیه فی شرح عقائد الإمامیه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران، ۱۳۶۹.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۲، ص ۲۴۰، طه، ج ۲، ۱۳۸۱.
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (للشعیری)، نجف: مطبعة حیدریه، بی‌تا.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات، ۱۳۶۳.
- شمس، مراد علی، سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبائی (ره) از نگاه فرزندان، ایران - قم: اسوه، ۱۳۸۷.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، بی‌تا،
- شریف الرضی، محمد بن حسین، خصائص الأئمه علیهم السلام (خصائص أمير المؤمنين علیه السلام)، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان، اوائل المقالات (سلسله مؤلفات الشیخ المفید)، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق الف.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقاد، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق ب.
- مصنعات الشیخ المفید، قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجه، قم، بیدار، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی (صدرا)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم: شکرانه، ۱۳۸۸.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی (للطوسی)، ناشر: دار الثقافه - قم - ایران، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- طایبی، نجاح، تفسیر أهل البيت علیهم السلام، قم: دارالهدی لاحیاء التراث، ۱۴۳۹ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم: نوری همدانی، حسین، تهران، فراهانی، بی‌تا.
- طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

- طباطبایی، محمدحسین، رسائل توحیدی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، انسان از آغاز تا انجام، بی جا، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۹.
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، تصورات یا روضه التسلیم، تهران، نشر جامی، ۱۳۶۳.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- فیض کاشانی، محمد حسین، علم الیقین، قم: بیدار قم، بی تا.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: رضی، ۱۳۷۵.
- قمی، عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیه)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، انتشارات فجر، بیروت، ۱۴۲۸ق.
- کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۳۶.
- لاهیجی، فیاض، گوهر مراد، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۳.
- موسوی خمینی، روح الله، تفسیر دعای سحر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (سبزواری)، بی جا: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری، ۱۴۰۹ق

- مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الإمامیه، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- مفید، محمد بن محمد، امالی شیخ مفید، مترجم حسین استادولی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۴.
- مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیجا: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مودی، ریموند، بازگشت به زندگی، ترجمه فرخ سیف بهزاد، تهران: مهر، ۱۳۷۷.
- مودی، ریموند، زندگی پس از زندگی، ترجمه فریبرز لقائی، تهران: گلشایی، ۱۳۶۶.
- مودی، ریموند، نور آنسوی، ترجمه حسین جلیلیان، تهران: جمال الحق، ۱۳۷۳.

- مودی، ریموند، زندگی پس از زندگی، ترجمه شهناز انوشیروانی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- صادقی، جمال، آن سوی مرگ، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۷.
- مورس، ملوین، ادراکات لحظات نزدیک به مرگ و تحولات روحی آن، ترجمه رضا جمالیان، تهران: انتشارا اطلاعات، ۱۳۸۰.
- مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بینشان‌ها، تهران: جمهوری، ۱۳۷۳.
- نجفی قوچانی، محمدحسن، سیاحت غرب، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۸۰.
- نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التأویل، بیروت: دار النفائس، ۱۴۱۶ق.
- نصرت بیگم، امین، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- نریمانی، علی، تفسیر عرفانی اشراق، قم، بی‌نا، بی‌تا.
- واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (واحدی)، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۵ق.
- وولف، دیوید ام، روانشناسی دین، ترجمه: دکتر محمد دهقان، تهران: رشد، ۱۳۸۶.
- واسوانی، جی.پی. زندگی پس از مرگ، ترجمه فریبا مقدم، حمیدا، تهران، ۱۳۸۱.
- هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، تهران: مکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
- هاموند، کریستیان، سفر به ناشناخته‌ها، ترجمه ارغوان جولایی، تهران: جویا، ۱۳۷۴.
- Abraham Varghese, Roy, Moody, Raymond. There Is Life after Death: Compelling Reports from Those Who Have Glimpsed the Afterlife, English, New Page Books, 2009
- Bryant, Clifton D. Peck, Dennis L, Encyclopedia of Death and the Human Experience, Sage Publications, 2009
- Blackmore, S. (1993). Dying to Live: Science and the Near-Death Experience., London: Grafton
- (Fox, Mark, Religion, Spirituality and the near-death experience, London and New York, Routledge. (2003
- Fischer, John Martin; Mitchell-Yellin, Benjamin, Near-death experiences: understanding visions of the afterlife, Oxford University Press, 2016
- Greyson, Bruce, near-death experience and Spirituality, Zygon, vol. 41, no. 2, 2006
- (Green, C. E. Out-of-the-Body Experiences. Institute of Psychophysical Research. (1968
- Jeffrey Long, Paul Perry, Evidence of the Afterlife: The Science of Near-Death Experiences, HarperOne, 2011
- Moody, Raymond Jr., Perry, Paul, Témoins de la vie après la vie, French, Club Québec Loisirs , 2011
- Michael N. Mars. Out-of-Body and Near-Death Experiences: Brain-State Phenomena or Glimpses of Immortality? Oxford University Press. 2010
- Moody Raymond, Glimpses of Eternity (Mind Body Spirit), English, Guideposts, 2010
- (Moody Raymond, Reflections on life after life. New York: Bantam Book. (1977
- Moody Raymond, Life after Life, USA: HarperOne; the 25th Anniversary of the Classic Bestseller edition. 2001
- Moody Raymond, A fényen túl , Hungarian , Apostoli Szentszék Könyvkiadó , 1989

Ring K, Valarino EE. Life at death: A scientific investigation of the near-death experience. New York: (Coward, McCann, &Geoghegan. (1980

Ring K, Valarino EE. Lessons from the Light: What we can learn from the near-death experience. Needham, (MA: Moment Point Press; (1998

Life at death: A scientific investigation of the near-death experience. New York: _____ -
(Coward, McCann, &Geoghegan. (1980

(Sabom, M. Recollections of Death: A Medical Investigation, London: Corgi (1982

Williams, Kevin R., Nothing Better than Death: Insight from 62 of profound Near-Death Experiences, (Philadelphia, Xlibris Corporation. (2002